صدای شاعر ضدآپارتاید خاموش شد

گروه ادب و هنر| آدام اسمال، شاعر، نویسنده و یکی از استادان برجسته کشور آفریقای‌جنوبی که با اشعارش با رژیم نژادپرستانه آپارتاید در کنار نلسون ماندلا و دیگر مبارزان می‌جنگید در ۷۹ سالگی درگذشت. این هنرمند سیاه‌پوست در کارهایش به مفاهیمی چون غربت و دوری و فقر و محرومیت سیاه‌پوستان آفریقای‌جنوبی در زمان آپارتاید می‌پرداخت و او را به‌عنوان رهبر جنبش آگاهی‌بخش با نام «بیداری سیاه» می‌شناخته‌اند. اسمال، زبان آفریقایی آفریکانس را در آثارش به کار گرفته و با قدرت همین زبان بوده که ادبیات ستمدیده‌ها و امید به آزادی را پیگیری کرده است. اسمال سال ۲۰۰۹ مدالی را از سوی آکادمی هنر و علوم آفریقای جنوبی دریافت کرده که نشان از تغییر فصل در کشور آفریقای جنوبی می‌دهد.

یادداشت

نگاهی به رمان «جرم زمانه‌ساز» نوشته آرش آذرپناه

غلاف ضخیم زبان

سمیه کاظمی‌حسنوند
داستان نویس

آرش آذرپناه را با رمان «کسی به گلدان‌ها آب نمی‌دهد» و مجموعه‌داستان «شماره‌ی ناشناس» و «این خانه جای ماندن نیست» می‌شناسیم. اما به‌تازگی نشر چشمه رمان جدیدی از او را راهی قفسه کتابفروشی‌ها کرده است. رمانی با عنوان «جرم زمانه‌ساز» که به گفته خود نویسنده عنوانش را با الهام از صائب‌تبریزی در یکی از ابیاتش گرفته است با عنوان: تسلیم می‌کند به ستم ظلم را دلیر / جرم زمانه‌ساز فزون از زمانه است.

آذرپناه نویسنده‌ای است با دغدغه‌های اجتماعی برگرفته از مسائل روز و رد پای این ترجیح اجتماعی را در آثار او می‌توان پیدا کرد.

انتخاب سوژه‌هایی در بطن اجتماع و اخبار روز و لایه‌های اجتماعی و حادثه‌هایی که در بستر زمان نویسنده روی می‌دهد و او به‌خوبی روی این موضوعات مانور می‌دهد. رمان جرم زمانه‌ساز داستان دلدادگی دو دانشجوست که مقارن می‌شود با بحبوحه سال‌های انقلاب فرهنگی و بسته‌شدن دانشگاه‌ها. جلال و شوکتی که عشق‌شان با این وقایع اجتماعی و تغییرات عجیب و سریع گره می‌خورد و انگار قرعه ناکامی به نام‌شان خورده و در این تب دلدادگی سر و کله برزو پیدا می‌شود و القصه جلال و شوکت در این وانفسای نابسامانی از هم جدا می‌مانند تا اینکه...

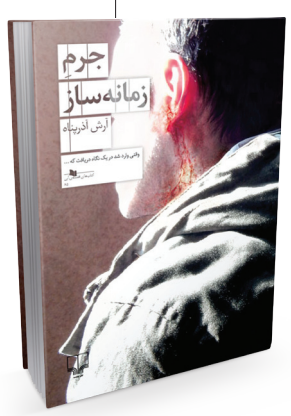

جرم زمانه‌ساز
نویسنده: آرش آذرپناه
ناشر: چشمه
چاپ ۱۳۹۴

اما نکته مهم در این رمان غلاف ضخیم زبان است. به‌طوری که گاهی ذهن مخاطب را از خود داستان دور و به حاشیه زبان گرفتار می‌کند. برای مثال در صفحه ۱۶ این رمان آمده است: «رضا شهباز دوباره دست به عینک برد و بر بینی جابه‌جایش کرد. کاری بیهوده انگار برای فرار از آه‌های جلال که حالا پیاپی کلامش را به زیب افسوس می‌آراست». یا در صفحه ۲۱ رمان جایی که می‌گوید «صدایش روبه ضجه رفت شوکت. جملات در هم شکست و آرام مبدل به جریانی از مویه شد و آهسته‌آهسته از لب‌ها پایین ریخت انگار ناله‌اش». و چند خط پایین‌تر در همان صفحه آمده است «جلال سر بالا گرفت و کاسه چشم‌ها پر از بارانی شد که دانه‌دانه از آسمان از اعماق بی‌نهایتی وهم‌انگیز گستاخانه و بی‌پروا پایین می‌ریختند دوباره».

و باز در صفحه ۳۰ «جلال آهی کشید. صدایش روبه زمزمه می‌رفت پر تمجمج و با خودش انگار». و در صفحه ۹۱ «نشست و بعد از اندکی گفت: اختیارم را خارج کردی از دستم برزو. این را نیمی به خشم گفته بود نیمی به مصالحه انگار» و....

در واقع شاید بتوان گفت زبان در داستان و رمان وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف که همان عنصر روایت و داستان و قصه است. در حالی‌که در رمان جرم زمانه‌ساز از منظری می‌توان گفت خود زبان هدف شده و مختصات داستان را در زیر لایه ضخیم خود پنهان کرده است.

> زبان در داستان و رمان وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف که همان عنصر روایت و داستان و قصه است.در حالی‌که در رمان جرم زمانه‌ساز از منظری می‌توان گفت خود زبان هدف شده و مختصات داستان را در زیر لایه ضخیم خود پنهان کرده است

درواقع رد پای نویسندگانی را می‌بینیم که زبان را تنها به‌عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم نمی‌بینند بلکه آن را گوهر داستان می‌دانند و با ترکیب استعاره‌های پیچیده و مجازهای متفاوت و استفاده از آهنگ کلمات فراتر از ساختن یک لحن ساده در داستان به جایگاهی بالاتر از اشاره مستقیم به مدلول دارند و مخاطب را نه‌تنها به صورت عقلی بلکه به صورت حسی_ شهودی با داستان آشنا می‌کنند.

موضوع دیگر خود قصه رمان است. رمان عاشقانه‌ای که خواننده شاید در نگاه اول انتظار یک رمان عاشقانه را داشته باشد و به ناگاه تم اصلی زیر این لایه عمیق و دست‌نیافتنی زبان پنهان و بعد از آن با جلال روبه‌رو می‌شود. جلالی که از ابتدای داستان شوریده و شیدا می‌نماید، با آن فضاسازی ابر و باران و درخت‌های قدکشیده افرا و شوکت بعد از این همه رنج می‌خواهد به رستگاری وصل برسد.

ناگهان جلال پس می‌کشد و مخاطب دومین ضربه را در رمان می‌خورد. ضرباتی که اولینش را زبان رمان به داستان زده و دومینش همین پایان‌بندی داستان و رها کردن مخاطب در این فکر که پس آن همه زمینه‌سازی عاشقانه چه شد و کجا رفت؟!

مساله دیگر شخصیت‌پردازی است. در رمان جرم زمانه‌ساز ما با شخصیت مردد جلال روبه‌رو هستیم. شخصیتی برزخی که نه بهشتی است و نه جهنمی. شخصیتی که حتی تکلیفش با خودش هم مشخص نیست و از آن سو با شوکت مواجه می‌شویم که شخصیتی مصمم دارد.

تقابل این دو شخصیت در رمان به‌نوعی توازن شخصیت‌ها در رمان را بر هم زده است و مخاطب نمی‌تواند این شکاف ایجادشده در شخصیت‌های رمان را پر کند.

درمجموع رمان جرم زمانه‌ساز سوژه ناب برآمده از اجتماعی دارد. اجتماع و افرادی که بر هم تاثیر می‌گذارند و در بطن این تحولات اجتماعی و جبر آمیخته با قدرت فوق‌العاده چه بسا این انسان‌ها آسیب می‌بینند و قربانی می‌شوند.

پاسخ روابط عمومی صدا و سیما به یک دلنگرانی

اذان موذن‌زاده پخش می‌شود

مرحوم رحیم موذن‌زاده

محمدرضا شجریان

مهربانو ابدی‌دوست
m1.abadidost@fdn.ir

پخش‌نشدن مناجات ربنا با صدای محمدرضا شجریان از تلویزیون ایران سال‌هاست به یکی از چالش‌های مدیران تلویزیون و مخاطبان آن تبدیل شده است. امسال نیز این چالش ادامه پیدا کرده و با پخش خبرهای مربوط به بیماری استاد آواز ایران از بخش‌های خبری و تغییر مدیران ارشد تلویزیون این احتمال قوت گرفت که شاید تلویزیون ایران به درخواست مخاطبانش تن بدهد و بار دیگر ربنا با صدای شجریان در ماه مبارک رمضان پخش شود. گرچه دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بعد از چند سال مجوز آلبومی از این خواننده آواز ایرانی را صادر کرد، تلویزیون ایران بازهم در پخش ربنا خودداری کرد. از طرف دیگر فایل ربنا در شبکه‌های مجازی دست به دست شد و تاکنون بیش از سه میلیون نفر آن را دانلود کرده‌اند که خود آمار قابل‌تاملی است. در این میان پخش ربنای شجریان در سریال «برادری» به کارگردانی جواد افشار از شبکه دو سیما این گمانه‌زنی را تقویت کرد که بین مدیران شبکه‌های تلویزیونی نیز تمایلی برای پخش ربنا وجود دارد. شجریان سال‌ها پیش در اعتراض به سیاست‌های تلویزیون ایران خواستار آن شد تا آوازش از صدا و سیما پخش نشود. بعد البته تاکید کرد که ربنا از این قاعده مستثناست. اما تلویزیون ایران از آن تاریخ با وجود درخواست‌های مکرر مخاطبان، از پخش ربنا ممانعت کرد. حالا پخش ربنا از شبکه دو این امیدواری را تقویت کرده است که ممنوعیت پخش ربنا از تلویزیون برداشته شده است، منتها به صورت موردی. امسال اما اتفاق دیگری درباره پخش نشدن یکی از ماندگارترین صداهای خاطره‌انگیز ماه مبارک رمضان افتاد که برای خیلی‌ها به پرسش بزرگی تبدیل شد؛ این‌که چرا اذان موذن‌زاده از تلویزیون ایران پخش نمی‌شود؟ اذان رحیم موذن‌زاده یکی از خاطره‌انگیزترین نواهایی است که روزه‌داران ایرانی سال‌ها با آن افطار کرده‌اند و امسال جای خالی آن به پرسش مهمی تبدیل شده است.

درحالی که از سال‌ها پیش پخش آوازهای محمدرضا شجریان و نوای «ربنا»ی این خواننده از شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی ممنوع شده است، جعفر موذن‌زاده پسر مرحوم رحیم موذن‌زاده اعلام کرده است که مدیران تلویزیون از رمضان امسال تصمیم گرفته‌اند تا اذان مرحوم موذن‌زاده را پخش نکنند. روابط عمومی صداوسیما اما در پاسخ به فرهیختگان تاکید کرد که اذان موذن‌زاده از شبکه پنج سیما پخش شده است و قرار است در روزهای پیش‌رو نیز از شبکه‌های دیگر پخش شود. این درحالی است که خانواده موذن‌زاده استفاده از این اثر ملی را در فیلم «رسوایی۲» مسعود ده‌نمکی مورد انتقاد قرار داده و گفته‌اند که بهتر بود محسن چاوشی هم برای استفاده از اذان موذن‌زاده در یکی از قطعه‌های آلبوم جدیدش از خانواده او اجازه می‌گرفت. اذان رحیم موذن‌زاده که در دستگاه بیات ترک و گوشه روح‌الارواح خوانده شده، ثبت ملی شده است همچنین این اذان در برخی تبلیغات تلویزیونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نخستین‌بار اذان از رادیوی ایران با صدای پدر رحیم موذن‌زاده پخش شد. اذان رحیم موذن‌زاده نیز در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان نخستین اثر ثبت میراث معنوی شد. تلویزیون ایران از مدت‌ها پیش اذان موذن‌زاده را کوتاه کرد که مورد اعتراض و انتقاد نیز قرار گرفت.

سینما

۷ فیلم از عباس کیارستمی در هفته فیلم کانون

تماشای تجربه

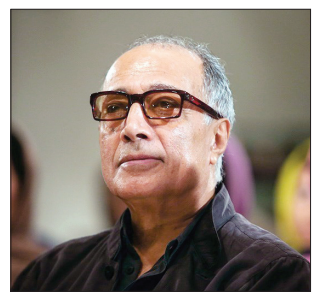

عباس کیارستمی

گروه ادب و هنر| امروز و فردا هفت فیلم کوتاه از عباس کیارستمی در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید تا مجالی باشد برای خاطره بازی با فیلم‌های کوتاه این کارگردان مشهور ایرانی و برنده نخل طلای کن. «دندان درد»، «تجربه»، «منم می‌تونم»، «اولی‌ها»، «نان و کوچه»، «همشهری» و «بزرگداشت روز معلم» هفت فیلمی هستند که امروز و فردا به نمایش درمی‌آیند. این فیلم‌ها در ادامه نمایش منتخبی از فیلم‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ساعت پنج بعدازظهر به نمایش درمی‌آید. در روزهای گذشته نیز تعدادی از فیلم‌های تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نمایش درآمده‌اند که باب آشنایی با کارنامه فیلمسازانی همچون نورالدین زرین‌کلک، داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، امیر نادری، شاپور قریب، علی‌اکبر صادقی، آراپیک باغداساریان، فرشید مثقالی، مرتضی ممیز، مسعود کیمیایی، محمدرضا اصلانی و ابراهیم حقیقی را فراهم آورده است. مرکز سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که امروز چندان فعال نیست، در سال ۱۳۴۹ با ایده نورالدین زرین‌کلک راه‌اندازی شد و فیلمسازان و نقاش‌های جوان در آن شروع به فیلمسازی برای کودکان کرده‌اند. کانون دوره باشکوهی را در دهه ۵۰ با تولیدات سینمایی‌اش داشته است. عباس کیارستمی هم اواخر دهه ۴۰ به استخدام مرکز سینمای کانون پرورش فکری کودکان و نو جوانان درآمد و در سال ۱۳۴۹ فیلم کوتاه نان و کوچه را ساخت. دو سال بعد هم فیلم «زنگ تفریح» از او اکران و سال ۱۳۵۳ با فیلم «مسافر» به نامی معتبر در سینمای ایران تبدیل شد. به آنهایی که فیلم‌های کوتاه کیارستمی را هنوز ندیده‌اند، پیشنهاد می‌کنیم امروز و فردا تماشای آثار این کارگردان را از دست ندهند.

موسیقی

۱۸ مجوز برای اجرای صحنه‌ای تنها برای شهر تهران

تهران پایتخت موسیقی

علی قمصری

گروه ادب و هنر| واحد نظارت و ارزشیابی دفتر موسیقی وزارت ارشاد، مجوز اجراهای صحنه‌ای متفاوتی را صادر کرده که تعداد آنها به ۱۸ عدد می‌رسد. به نظر تهران به مرکز موسیقی ایران تبدیل شده و بیشتر هنرمندان سعی دارند کنسرت‌های خود را در این شهر برگزار کنند تا از گزند افراد غیرمرتبط به فرهنگ و هنر درامان باشند و بتوانند به راحتی با طرفداران خود از نزدیک دیدار داشته باشند. سالن مرکزی برج میلاد، تالار وحدت، سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی و فرهنگسرای نیاوران مراکز اصلی موسیقی در شهر تهران شده‌اند. این هم نکته عجیبی است که کشور ما با جمعیتی بالغ بر ۷۵ میلیون نفر تنها دو مرکز نیمه‌استاندارد برای برگزاری کنسرت‌های موسیقی دارد که همین امر درآمد و معاش موسیقیدانان را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد کرد. به هر صورت اسم شهر تهران را باید پایتخت فرهنگ و موسیقی گذاشت. زیرا بیشتر سالن‌های مدرن سینما، تئاتر و موسیقی در شهر تهران متمرکز هستند که بیش از ۸۰ درصد درآمد هنرمندان نیز از همین سالن‌ها است که تعدادشان به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. تقریبا می‌شود گفت هنرمندان در ایران از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند و هیچ نوع قوانین حمایتی‌ای برای حمایت از زندگی و هنر آنها وجود ندارد و اگر هم وجود دارد کسی به آنها وقعی نمی‌نهد یا اصلا دوست ندارد به این قوانین توجه کند؛ از دانلود غیرقانونی آثار هنری بگیرید تا متوقف کردن اجراهای صحنه‌ای هنرمندان موسیقی که باعث لطمات جبران‌ناپذیری هم می‌شود. در حال حاضر کشورهای همسایه بهترین مامن برای حضور هنرمندان ایرانی شده‌اند که احتمال دارد در آینده هنرمندان اهل تئاتر نیز به این کشورها برای اجرا مراجعه کنند.

خبر چین

افشای دستمزد بازیگران سریال «بازی تاج و تخت» پربیننده‌ترین سریال تاریخ

بادهای زمستان خبر از مرگ لیدی سانسا می‌دهند

نمایی از سریال «بازی تاج و تخت»

سیدحسین رسولی| بالاخره قسمت آخر فصل ششم سریال پرحادثه و درخشان «بازی تاج و تخت» فرا رسید. اسم قسمت دهم فصل ششم، «بادهای زمستان» است که باز هم اشاره به همان شعار همیشگی این سریال بزرگ مبنی‌بر «زمستان در راه است» دارد. تقریبا می‌توان گفت تمام نشریات و سایت‌های خبری در بخش هنری خود به این سریال پرآب و تاب پرداخته‌اند که در حال حاضر تحت‌تاثیر حاشیه‌های خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نیز قرار گرفته است. به گزارش «هالیوود ریپورتر» بالاخره در قسمت نهایی فصل ششم پاسخ سیاسی تکان‌دهنده‌ای به تمام نیروهای درگیر داده خواهد شد. از یک سو با جان اسنو و شمال طرفیم و از سوی دیگر با دنریس تارگرین ملکه میرین و سرسی لنیستر که فعلا ملکه هفت اقلیم است. گروه وحشی‌های پشت دیوار قلعه سیاه نیز با جان اسنو همراه شده‌اند تا بتوانند دوباره قدرت شمالی‌ها را زنده کنند. در قسمت نهم در نبردی که بین دو حرامزاده یعنی جان اسنو و رمزی بولتون رخ داد جان اسنو به همراه خواهرش پیروز میدان شدند و مرگ وحشتناکی را به حرامزاده وینترفیل تحمیل کردند. روزنامه «گاردین» در گزارشی مبسوط که به دیالوگ‌های کلیدی فیلم هم پرداخته قسمت آخر فصل ششم بازی تاج و تخت را بررسی کرده است. یکی از همین دیالوگ‌ها چنین است: «شما می‌ترسین؟ شما در یک بازی بسیار بزرگ هستین و این بازی بزرگ بسیار وحشتناک است.» در این قسمت قلب‌ها خواهند ایستاد و ترکیبی از انتقام و مرگ را شاهد خواهید بود. این سریال که در آن تا دل‌تان بخواهد شخصیت‌های عجیب و غریب وجود دارد و باید در هر قسمت تنها سرگذشت چند نفر از آن شخصیت‌ها را دنبال کنید شما را به مسیرهای عجیبی می‌کشاند. خوانندگان کتاب «ترانه یخ و آتش» به قلم جرج آر. آر مارتین نتوانسته‌اند هیچ قسمتی از این سریال را پیش‌بینی کنند. یکی از اتفاقات منحصربه‌فرد در این سریال مرگ زودرس قهرمان‌های اصلی و مردم‌پسند داستان است که به طرزی بی‌رحمانه به دست دشمنان سنگدل و یاران سرسی لنیستر به قتل می‌رسند. ما یک‌بار دیگر پس از نوشته‌های ویلیام شکسپیر با درام سیاسی سنگینی مواجه هستیم. حالا به یکی از دیالوگ‌های کلیدی این قسمت توجه کنید: «این چیزی نیست که از بقایای خود ارائه بدهم. این میل قلبی توست؛ انتقام و همین انتقام عدالت است. خون و آتش است.» بنابراین ما در این قسمت با انتقام مواجه هستیم. اینکه حالا این انتقام از چه کسی باید دید. اما یک نکته را اضافه کنیم که لیدی سانسا در این قسمت خواهد مرد. روزنامه «تلگراف» نیز ۳۰ شخصیت منفور این سریال را برگزیده است. جالب این است که اولین شخصیت منفور لیتل فینگر، لرد بیلیش است که باعث سقوط شمالی‌ها و ازدواج سانسا با رمزی بولتون شده است. دومین شخصیت منفور، رمزی بولتون حرامزاده شده است. سومین شخصیت منفور، پادشاه شب است که فرمانده لشکر نایت واکرها است و چهره‌ای بسیار وحشتناک دارد. در آخر دستمزدهای این بازیگران معرفی شده است که غالب بازیگران اصلی بالای ۵۰۰ هزار دلار گرفته‌اند.

سینمای ایران

مصائب موسیقی برای سینما

آیا رعنا حذف می‌شود؟

گروه ادب و هنر| این روزها، پچ‌پچ‌ها، اغلب به خبرهای رسمی تبدیل می‌شوند. اتفاقات روزهای اخیر این مساله را آشکارا نشان می‌دهد. با این اوصاف است که گمانه‌زنی‌ها حاکی از حذف صدای ملوک ضرابی از فیلم «فروشنده» ساخته اصغر فرهادی است؛ همان قطعه‌ای که اصغر فرهادی اعلام کرد دلیل ساختن فیلمش است و فیلمش ادای دینی به این خواننده است. حال با اتفاقاتی که در روزهای اخیر برای فیلم‌های «بارکد»، «اژدها وارد می‌شود» و «ارادتمند، نازنین، بهاره، تینا» افتاده است، می‌توان حدس زد خبر غیررسمی اصلاحیه فیلم «فروشنده» هم اعمال شود. در این باره ترانه علیدوستی، بازیگر فیلم «فروشنده» درتوییترش واکنش نشان داده و نوشته است: «فیلم کاهانی که از نظرتون سراسر مشکل داره چطور پروانه ساخت گرفته؟ برای«فروشنده» روشون نشد اصلاحیه ندن، آهنگ «رعنا» را حذف کردن. اگه آهنگه نبود تیتراژش سانسور می‌شد.» در روزهای اخیر فیلم‌های متعددی دچار سانسور یا حذف شده‌اند تا جایی که اصلاحیه‌هایی برای حذف یا تغییر موسیقی‌های فیلم هم اعمال شده است. بعد از حذف صدای یاس خواننده رپ از تیتراژ فیلم بارکد و حذف صدای آوازخوانی یک زن در فیلم «خشت و آینه» که در فیلم «اژدها وارد می‌شود» آمده بود و همچنین توقیف فیلم «ارادتمند، نازنین، بهاره، تینا» به کارگردانی عبدالرضا کاهانی این بار قرعه به نام اصغر فرهادی و فیلمش افتاده است تا صدای خواننده قطعه «رعنا» حذف شود. به نظر می‌رسد موسیقی برای سینما این روزها دردسرهای زیادی را به همراه داشته است. در این راستا اصغر فرهادی هنوز به این شایعه واکنشی نشان نداده است.

سینمای جهان

۱۰۰ سالگی اینگمار برگمن با ۶ فیلم کوتاه

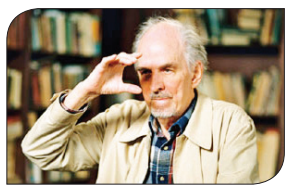

گروه ادب و هنر| با نزدیک شدن به یکصدمین سالگرد تولد اینگمار برگمن، کارگردان بزرگ سوئدی موسسه فیلم سوئد از ۶فیلمساز باتجربه برای ساخت فیلم‌هایی کوتاه با الهام از دنیای این کارگردان حمایت خواهد کرد. این فیلم‌های کوتاه داستانی که مدت زمان آنها نباید از ۱۰ دقیقه بیشتر باشد. به گزارش «اسکرین دیلی» کارگردانانی که درنهایت پروژه فیلم کوتاه آنها مورد پذیرش قرار گیرد این فرصت را خواهند داشت که در خانه برگمن در شهر فارو اقامت کنند و به توسعه و بسط فیلمنامه خود بپردازند. برگمن از چهره‌های برجسته تاریخ سینمای جهان بود که در طول ۶ دهه فعالیت هنری، ۹ بار نامزد جایزه‌ی اسکار شده و در توصیف شرایط زندگی انسانی از مایه‌های کمدی، امید، یاس و ناامیدی بهره می‌گرفته است. برگمان سوئدی در طول سال‌ها فعالیت سینمایی در مجموع ۶۲ فیلم ساخته که فیلمنامه بسیاری از آنها را نیز خودش به رشته تحریر درآورده است. کارگردانان بسیاری آثار برگمن را الهام‌بخش حیات سینمایی خود دانسته‌اند که از آن جمله می‌توان رابرت آلتمن، فرانسوا اوزون، وودی آلن، دیوید لینچ، آتوم اگویان، استنلی کوبریک، پل شرایدر و آندری تارکوفسکی را نام برد.